

نوع مقاله: ترویجی

بررسی شناخت توحید در زیارت عاشورا

a.abolfazl6969@gmail.com

ابوالفضل احمدی / دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال
دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۵ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۳

چکیده

هدف این مقاله بررسی متن زیارت عاشورا و شناسایی جایگاه توحیدشناسی با بهره‌گیری از روش تحلیل محتواست. سؤال اصلی آن است که آیا می‌توان توحیدشناسی را محور اصلی زیارت عاشورا تلقی کرد؟ بدین منظور، در گام اول با استفاده از تحلیل محتوای کمی نمودارهای سنجش فراوانی کلمات، موضوعات و جهت‌گیری ترسیم شد؛ نتایج حاصله بیانگر آن است که پرکاربردترین واژه، کلمه جلاله «الله» و مهم‌ترین موضوع زیارت نیز توحیدشناسی است. در گام دوم نیز از طریق تحلیل محتوای کیفی، ۹ مقوله شناسایی شد که از میان آنها، ۴ موضوع اصلی زیارت عاشورا تعیین گردید که عبارتند از: توحیدشناسی، امام‌شناسی، دین‌شناسی، دشمن‌شناسی. بنابراین با استناد به روش علمی و سلسله‌مراتب شناخت، توحیدشناسی در رأس این موضوعات بوده و به عنوان موضوع محوری شناخته شد. از این‌رو، جایگاه توحید و مراتب آن، شامل: ذاتی، صفاتی، افعالی و عبادی، متناسب با متن زیارت عاشورا تشریح گردید.

کلیدواژه‌ها: زیارت عاشورا، توحید، تحلیل محتوا، مراتب توحید.

مقدمه

زیارت اهل بیت علیهم السلام در فرهنگ غنی تشیع از جایگاه والایی برخوردار است؛ به طوری که فرصت مناسبی را ایجاد می‌کند تا شیعیان عشق و محبت درونی خود را به اولیای الهی اظهار کنند و ضمن انزجار و نفرت از دشمنان ایشان، از چشمه‌های فیض ربانی بهره‌مند شوند که در این میان، متن زیارت‌نامه‌های مأثوره نیز مسیر کسب معارف الهیه را هموار ساخته و در کنار سایر روش‌های شناختی، در انتقال و تقویت باورداشته‌های دینی شیعیان تسهیل می‌کند.

بنابراین، شیعیان از طریق زیارت اهل بیت علیهم السلام ضمن پاسداشت و تکریم مقام شامخ و والای آن ذوات مقدس، شعائر دینی و ارزش‌های مذهبی را احیا کرده و متن زیارت‌نامه‌ها نیز نظام فکری، اعتقادی و اخلاقی مکتب تشیع را در جامعه ترویج می‌دهد. از این رو، کارکرد اصلی زیارت به‌عنوان یکی از مناسک مذهبی، تقویت و تثبیت اعتقادات و معارف حقه اهل بیت علیهم السلام در جامعه است.

البته در میان زیارت‌نامه‌ها، زیارت امام حسین علیه السلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و حتی مورد تأکید ائمه اطهار علیهم السلام نیز هست؛ به گونه‌ای که در روایتی از امام صادق علیه السلام، زیارت آن حضرت، افضل الاعمال معرفی شده است؛ زیرا سیدالشهداء علیه السلام به‌عنوان میراث‌دار نبوت و امامت در تاریخ بشریت، حماسه‌ای را برپا کرد که ضمن احیای تعالیم دینی و فضیلت‌های انسانی، باعث بیداری دل‌ها و هوشیاری ملت‌ها گردید؛ چنان‌که اقبال لاهوری چنین سروده است:

خون او تفسیر این اسرار کرد ملت خوابیده را بیدار کرد

(اقبال لاهوری، ۱۳۸۸، ص ۷۵).

البته، در کتاب‌های ادعیه زیارت‌های متعددی برای اباعبدالله علیه السلام ذکر شده است؛ لکن از میان آنها، زیارت عاشورا با توجه به حدیث قدسی بودن و محتوای متفاوت و عمیق، شهرت یافته است و علی‌رغم تخصیص نام این زیارت به عاشورا؛ به توصیه امام محمدباقر علیه السلام به علقمه حضرمی، می‌توان با این زیارت، از راه دور یا نزدیک، در تمام ایام و مناسبت‌های مذهبی امام حسین علیه السلام را زیارت کرد (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۷۷۳-۷۷۴).

با این وجود، با توجه به مضامین عالی و مسائل اعتقادی زیارت عاشورا، علما و اندیشمندان اسلامی نیز پژوهش‌های متعددی پیرامون سند روایی و شرح آن انجام داده‌اند که در جای خود بسیار ارزشمند و قابل استفاده است؛ اما به نظر می‌رسد پژوهش‌های پیشین به‌غیر از برخی موضوعات مهم، از جمله تبری و تولی، مجال آن را

نیافته‌اند که به سایر مضامین عالی و مسائل اعتقادی زیارت بپردازند. نگارنده بر این باور است که زیارت عاشورا، نماد تولی و تبری بوده و فرهنگ انتظار را در جامعه به‌خوبی جا انداخته است؛ اما با استناد به فرمایش امام رضا علیه السلام که فرمودند: «هر کس می‌خواهد خدا را در عرش زیارت کند، امام حسین علیه السلام را در کربلا زیارت کند» (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۶ ص ۴۶)؛ به نظر می‌رسد، هدف اصلی زیارت، تقویت معارف الهیه و اصول اعتقادی به‌ویژه معرفت‌الله و توحیدشناسی است که به فرموده امیرمؤمنان علی علیه السلام برترین معارف است. بدین ترتیب، چه بسا بتوان گفت وجه تمایز زیارت عاشورا با سایر زیارت‌ها، رویکرد توحیدی و خدانشناسی آن است که آن را در میان سایر زیارت‌ها، ممتاز و برجسته کرده است. بنابراین زائر در فضای معنوی زیارت، مجال می‌یابد که از طریق تنظیم حبّ و بغض که به‌واسطه مقام رفیع امام علیه السلام متجلی می‌شود، تحول درونی یافته و به‌واسطه اظهار محبت به امام حسین علیه السلام و دشمنی با دشمنانش، به مقام توحیدی نائل آید؛ زیرا امام علیه السلام واسطه فیض الهی و باب شناخت خدای متعال است و سجده شکر نیز در پایان زیارت که نماد عبودیت و بندگی است، نتیجه خدانشناسی است که زائر در پرتو مکتب حسینی کسب می‌کند؛ از این رو، برخی از علمای بزرگوار اذعان داشته‌اند که درک مقام توحیدی و مراتب آن را مدیون امام حسین علیه السلام و زیارت عاشورا هستند.

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که مسئله و دغدغه اصلی این پژوهش، عدم توجه کافی محققان و محافل علمی و دینی به معارف الهیه و مسایل اعتقادی به‌ویژه شناخت توحید در زیارت عاشورا است. از این رو، هدف این پژوهش کشف شناخت توحید و مراتب آن در این زیارت است. بنابراین سؤالات اصلی عبارتند از اینک: ۱. آیا محور و موضوع اصلی زیارت، شناخت توحید است؟ ۲. مراتب توحیدی در زیارت عاشورا چگونه است؟ و سؤالات فرعی نیز عبارتند از: ۱. موضوعات کلی زیارت چیست؟ ۲. جهت‌گیری اصلی آن چگونه است؟

۱. مروری بر ادبیات پژوهش

۱-۱. ادبیات تجربی

با توجه به مطالعات و کاوش علمی محقق، علی‌رغم اینکه کتاب‌ها و تحقیقات علمی متعددی در اعتبار سند، شرح و تفسیر زیارت عاشورا نگاشته شده؛ اما تحقیق مستقل علمی در خصوص جایگاه اعتقادات، به‌ویژه شناخت توحید در آن، منتشر نشده است. این امر بیانگر این است که موضوع این پژوهش، جدید و بدیع می‌باشد.

۱-۲. ادبیات مفهومی

۱-۲-۱. اهمیت شناخت توحید

و متأخر از او نباشد، این معنی ابدیت است؛ و چه بسا اگر این معنی را از دو منظر هم تصور کنیم، آن معنی سرمدیت و دوام اوست و او را به وحدت عددی متصف کردن، نفی ازلیت، ابدیت و سرمدیت است (حسینی طهرانی، ۱۳۶۸، ص ۲۱۷).

۱-۲-۲-۲. توحید صفاتی

مقصود از توحید در صفات، یعنی صفات خدای متعال را عین ذات او بدانیم؛ یعنی اگر می‌گوییم خدا عالم است، به این معنی نیست که ذات خدا جدا و علم او جداست؛ بلکه به این معناست که خدای متعال عین علم است؛ زیرا در غیر این صورت، نتیجه این می‌شود که خدای متعال از دو جزء (ذات و صفات) مرکب باشد و ترکیب نیز مستلزم احتیاج و نیاز است و نیاز، با خدا بودن که باید از هر جهت غنی و بی‌نیاز باشد، سازگار نیست. بنابراین ذات خدا عین صفات اوست (سبحانی، ۱۳۶۳، ص ۱۱۷-۱۱۸).

امیرمؤمنان علیؑ در اولین خطبه *نهج البلاغه* در خصوص اینکه صفات خدا عین ذات اوست، این گونه فرموده است: توحید خالص آن است که صفات زائد بر ذات که در مخلوقات است، از او سلب کنیم؛ زیرا هر صفتی گواهی می‌دهد که با موصوف خود مغایرت دارد و هر موصوفی نیز گواهی می‌دهد که وجود صفت با وجود آن مغایرت دارد؛ پس هرگاه خدا را مانند مخلوقات او توصیف کنیم و صفات او را زائد بر ذاتش بدانیم، او را با چیز دیگری همراه ساخته و در نتیجه خدا را از یکتایی درآورده و اعتقاد به دوگانگی او پیدا کرده‌ایم؛ و هرکس خدا را یکتا ندانسته و دوگانه فرض کند و بگوید ذات او غیر از صفات اوست، برای او جزء قائل شده است و او را مرکب از اجزاء دانسته است و کسی که خدا را دارای جزء بداند، خدا را نشناخته است.

۱-۲-۲-۳. توحید افعالی

توحید افعالی در اصطلاح فلاسفه به معنای این است که همه نظام‌ها، سنت‌ها، علل، معلولات و اسباب و مسببات، فعل خدا و کار او و ناشی از اراده خداست؛ موجودات عالم هم، چنان که در ذات خود، استقلال وجودی از خدا ندارند؛ در مقام تأثیر و علیت نیز استقلال ندارند و در نتیجه خداوند همان طور که در ذات خودش شریک ندارد، در فعلیت نیز شریک ندارد (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۰۳)؛ بدین معنا که خدا در انجام کارهایش نیازی به کمک و یآوری ندارد و در انجام هر کاری، مستقل و یگانه است (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ص ۲۷۳).

البته توحید افعالی را دو قسم گفته‌اند؛ یکی توحید در خالقیت و دیگری توحید در ربوبیت؛ توحید در خالقیت یعنی اعتقاد به اینکه

توحید، بنیادی‌ترین اصل اعتقادی دین مبین اسلام است که سایر اصول به این رکن رکین وابسته بوده و دیگر معارف اعتقادی و ارزشی اسلام نیز از آن نشئت گرفته است؛ چنان که رسول خداﷺ در اهمیت توحید فرموده‌اند: «التوحید نصف الدین» (صدوق، ۱۳۶۳، ص ۵۴)؛ زیرا دین و دینداری در سایه‌سار باورها و اعتقادات، به‌ویژه توحیدمداری معنا یافته و قوت می‌گیرد. بنابراین توحید سنگ بنای سایر اصول عقاید بوده و اساس پذیرش سایر باورها در زندگی موحدان به‌شمار می‌رود؛ به‌گونه‌ای که این اصل در کنار سایر اصول عقاید، انسان موحد را گام به گام به توحید عبادی می‌رساند. بدین ترتیب، او فقط خداوند یکتا را شایسته پرستش و بندگی می‌داند و با تبعیت و اطاعت محض از او، در صدد بندگی خالصانه بر آمده و مراتب انسانیت را طی می‌کند؛ به همین دلیل است که ارزش انسان‌ها با معیار باورها و اعتقاداتشان سنجیده می‌شود؛ زیرا این باورها هستند که سبک زندگی او را شکل داده و رنگ الهی به آن بخشیده و یک زندگی موحدانه و مؤمنانه‌ای به ارمان می‌آورد؛ در نتیجه، توحید، نشانه ثبات و استواری ایمان موحدان و مسلمانان است.

۱-۲-۲. مراتب و اقسام توحید

۱-۲-۲-۱. توحید ذاتی

توحید ذاتی، یعنی یکتایی، بی‌همتایی و نفی شریک شبیه و جزء از خداوند؛ به‌طوری که نه تنها او یگانه است؛ بلکه برای ذاتش هیچ جزئی نیست و از چیزی ترکیب نیافته است (سبحانی، ۱۳۶۳، ص ۱۱۷). در واقع، توحید ذاتی، نمایانگر شریک‌ناپذیری خداوند است و امیرمؤمنان علیؑ در خصوص احد بودن خداوند، در خطبه ۱۵۲ *نهج البلاغه* فرموده است: «خداوند، یکی است، ولی نه به تعبیر عددی...؛ هرکس وصفش کند محدودش کرده و آنکه محدودش کند، او را برشمرده است و هر که برشماردش، ازلیتیش را باطل کرده است؛ هر که بگوید که خدا چگونه است، خواسته که وصفش کند و هر که بگوید خدا در کجاست، برای او مکانی قائل شده است» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۱۵۲). البته امامؑ در این خطبه، اثبات وحدت عددی را برای ذات حق، موجب ابطال ازلیت او قرار داده است؛ زیرا حقیقت ازلیت حق آن است که او در ذات و صفاتش غیرمتناهی و غیرمحدود است؛ بنابراین اگر حق را طوری تصور کند که چیزی بر او پیش نگرفته باشد؛ این معنی ازلیت اوست و اگر او را طوری تصور کند که چیزی بعد از او نبوده باشد

۲. روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش، از روش تحلیل محتوا استفاده شده است؛ روشی که تلاش دارد محتوای داده‌های متنی یا متن‌واره‌ای را که به متن تبدیل می‌شوند، به صورت نظام‌مند و مبتنی بر اصول و قواعد معینی استخراج، تحلیل و تفسیر کند، تا به معنی واقعی آنها دسترسی پیدا کند. در این روش، تلاش می‌گردد نشانه‌ها و مواد موجود در متن، که به پرسش‌های پژوهش مرتبط هستند، مشخص و محتوای آنها استخراج و تحلیل شود (میرزایی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۱۰۹۰).

روش تحلیل محتوا دارای دو قسم کمی و کیفی است؛ منظور از تحلیل‌های کمی - که به دنبال فهم محتوای آشکار پیام است - بررسی فراوانی کلیدواژه‌ها، مضامین اصلی، فرعی و جهت‌گیری‌هاست که مسیر تحقیق را برای تحلیل کیفی هموار می‌سازد. در واقع، روش‌های تحلیل کمی توسعه‌ی‌اند و واحد اطلاعاتی پایه در روش‌های تحلیل محتوای کمی، بسامد ظهور برخی از خصوصیات محتوای متن است؛ اما روش‌های تحلیل کیفی، تشدید می‌اند و واحد اطلاعاتی پایه در تحلیل کیفی، ظهور یا غیبت یک خصیصه است (کیوی و کامپنهود، ۱۳۸۱، ص ۲۲۳). بدین ترتیب، در تحلیل کیفی، محتوای داده‌های متن که در روش کمی طبقه‌بندی و کدگذاری شده، تفسیر می‌شود (هولستی، ۱۳۷۸، ص ۱۴).

در نتیجه، در این پژوهش به دلیل اینکه تحلیل محتوا، روشی علمی برای تفسیر متن بوده و نتایج به دست آمده از طریق آن، دارای اعتبار و روایی بالایی است، مورد استفاده قرار گرفته است؛ به طوری که ابتدا از طریق تحلیل محتوای کمی، فراوانی کلمات، موضوعات، شدت و جهت‌گیری‌ها انجام، و سپس با استفاده از نتایج حاصله، با بهره‌گیری از تحلیل محتوای کیفی، محتوای زیارت عاشورا با محوریت توحید و اکاوی شده و مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۳. یافته‌های پژوهش

۳-۱. تحلیل محتوای زیارت عاشورا

تحلیل محتوای کلی متن زیارت عاشورا در قالب جدول زیر ترسیم شده که این جدول بیانگر این است که اولاً همان‌طور که مشاهده می‌شود، متن زیارت به صورت تقطیع شده در جدول درج گردیده است؛ ثانیاً با تحلیل این متن، موضوعات اصلی، جهت‌گیری‌های کلی و مضامین فرعی آن استخراج شده است؛ به طوری که مشخصاً فرازهای زیارت به ۴۶ واحد متن تقطیع شده و ۶۵ مضمون و پیام از آن شناسایی و برداشت شده است. البته متناسب با حجم محدود مقاله، به قسمتی از جدول اصلی متن تقطیع شده زیارت عاشورا بسنده شده که به شرح زیر است:

آفریننده‌ای جز «الله» نیست؛ در واقع، خالقیت را مختص خداوند پنداشته و دیگران را آفریده خداوند بدانند. اما توحید در ربوبیت خود به دو بخش تکوینی و تشریحی تقسیم می‌شود؛ و منظور از توحید در ربوبیت تکوینی آن است که تنها خدا را مدبر و کارگردان جهان بدانیم و معتقد باشیم که هیچ کس بدون اذن و اراده الهی، کوچک‌ترین تأثیری در جهان هستی ندارد؛ و مقصود از توحید در ربوبیت تشریحی نیز یعنی اعتقاد به اینکه کسی جز خداوند حق فرمان دادن و قانون‌گذاری ندارد؛ یعنی افزون بر آنکه آفریننده ما خداست، اختیار وجود ما هم به دست اوست و تدبیر زندگی ما نیز به طور مستقل از اوست (همان، ص ۲۷۳).

۴-۲-۱. توحید عبادی

منظور از این نوع توحید، آن است که جز خدای متعال را نپرستیم و در برابر غیر او سر تسلیم فرود نیآوریم؛ در واقع، توحید در عبادت، لازمه توحید ذات و صفات است؛ زیرا وقتی معلوم شد واجب‌الوجود تنها خداست و هر چه غیر اوست ممکن، محتاج و نیازمند است. بنابراین عبادت مخصوص اوست، او کمال مطلق است، غیر از او کمال مطلق وجود ندارد و عبادت هم برای رسیدن به کمال است و این رسالت انبیا الهی بوده که مردم را به توحید در عبادت دعوت کنند و قرآن کریم نیز آیات فراوانی در این خصوص دارد (قائمی، ۱۳۹۰، ص ۴۴).

۲-۲-۱. جمع‌بندی مبحث توحید

اگرچه توحید، رکن رکن دین اسلام است؛ لکن انسان‌های موحد به اندازه توان و وسعشان می‌توانند به درجاتی از مراتب توحیدی نائل آیند. با این وجود، با بررسی دقیق آیات قرآن روشن می‌شود حد نصاب توحید این اعتقاد است که «کسی جز الله شایسته پرستش نیست» و اعتقاد به این اصل برای موحد بودن و رهایی از عذاب الهی ضرورت دارد. یعنی از نظر قرآن کسی موحد است که افزون بر واجب‌الوجود خالق، رب تکوینی و تشریحی، «اله و معبود» را نیز منحصر به «الله» بداند. و از آنجاکه توحید در الوهیت در مرتبه اخیر واقع شده و رسیدن به این مرحله، مستلزم دارا بودن مراحل پیشین است؛ شعار توحید و نشانه مسلمانان، کلمه «لا اله الا الله» قرار داده شده است. یعنی نصاب توحید، توحید در الوهیت است. اگر این اعتقاد در شخصی پیدا شد؛ از دیدگاه اسلام و قرآن، مسلمان بوده و توحیدش پذیرفته می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۰). البته مراتب بالاتر از توحید در الوهیت، مراتب کمال توحید است (همان، ص ۱۸۱).

جدول ۱: جدول تحلیل محتوای متن تقطیع شده زیارت عاشورا

کد	مضامین فرعی	جهت جبری	موضوع اصلی	فرازهایی از زیارت عاشورا
M 1	انتساب امام به بنده بودن خداوند	اتقرب الی الله	توحیدشناسی	السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خَيْرَتِهِ
M 2	انتساب امام به فرستاده خدا بودن			
M 3	رتبه امام: برگزیده خدا بودن			
M 4	انتساب امام به شجره نبوت	اتقرب الی الله	اعتقاد به نبوت	السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ
M 5	آشنایی با اصل و نسب امام	اتقرب الی الله	امام شناسی (شجره طیبه)	السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خَيْرَتِهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ
M 6	آشنایی با جایگاه امام در عالم خلقت			
M 9	بزرگ بودن مصیبت شهادت امام در میان مسلمانان	جذب الی الله	مصیبت بزرگ	لَقَدْ عَظَمْتَ الرَّزِيَةَ وَجَلْتَ وَعَظَمْتَ الْمَصِيبَةَ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ وَجَلْتَ وَعَظَمْتَ مَصِيبَتَكَ فِي السَّمَاوَاتِ عَلَىٰ جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ
M 10	بزرگ بودن ظلم و ستم به امام در آسمانها			
M 11	بزرگ بودن مصیبت امام برای اهل آسمانها			
M 13	اعلام انزجار از بنیان گزاران ظلم و جور بر اهل بیت	جذب الی الله	دشمن شناسی	فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسَسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَیْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَأَرَاتْكُمْ عَنْ مَرَاتِكُمْ الَّتِي رَتَبَتْكُمْ اللَّهُ فِيهَا وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ وَلَعَنَ اللَّهُ الْمُتَمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالْتَمَكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ
M 14	اعلام انزجار از غاصبان مقام اهل بیت			
M 15	اعلام انزجار از اهل بیت			
M 16	اعلام انزجار از زمینه سازان جنگ با اهل بیت	تقرب و برائت	دشمن شناسی (تولی و تبری)	يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنَّي سَلِمْتُ لِمَنْ سَأَلْتَهُمْ وَخَرَبْتُ لِمَنْ خَارَبْتَهُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ
M 19	اظهار دوستی با دوستان امام			
M 20	اظهار دشمنی با دشمنان امام	تقرب الی الله	امام شناسی (انتظار)	أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبُ تَارِكٍ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
M 23	بلند مرتبه بودن مقام امام در پیشگاه خداوند			
M 24	طلب خونخواهی امام مظلوم در معیت امام عصر			

M 26	جایگاه رفیع امام در پیشگاه خداوند	تقرب الی الله	امام شناسی	اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ
M 27	تقرب به خداوند از طریق امام	اتقرب الی الله	توحیدشناسی	إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ
M 50	ولایت شرط تقرب الهی و دینداری	تقرب و برائت	دین شناسی (تولی و تبری)	اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ فِي مَوْقِفِي هَذَا وَأَيَّامِ حَيَاتِي بِالْبِرَاةِ مِنْهُمْ وَاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ
M 51	برائت شرط تقرب الهی و دینداری			
M 60	انزجار از ۱۲ نفر از بنیان گزاران، غاصبان، دستوردهندگان و قاتلان سیدالشهدا و یارانش	جذب الی الله	برائت از دشمنان	اللَّهُمَّ خُصِّ أَنْتَ أَوْلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي وَإِنِّدَا بِهِ أَوْلَا ثُمَّ الْغَيْنِ الثَّانِي وَالثَّلَاثِ... (تا فراز آخر)
M 61	اعتقاد به حتمی بودن روز قیامت و رستاخیز	تقرب الی الله	اعتقاد به مهاد	إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ
M 62	سجده، نشانه عبودیت و بندگی خداوند	اتقرب الی الله	توحیدشناسی	اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدُ الشَّاكِرِينَ
M 63	طلب مقام شاکرین از خدا بر مصیبت عظیم	تقرب الی الله	حمد و شکر	لَكَ عَلَيَّ مُصَابِيهِمُ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ عَظِيمٍ رَزِيَّتِي
M 64	مقام شفاعت امام نزد خداوند در قیامت	اتقرب الی الله	شفاعت امام	اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ
M 65	درخواست از خدا برای ثابت قدم بودن در راه امام (مانند کسانی که جانشان را هدیه کردند)	تقرب الی الله	دین شناسی (برائت قدم در ایمان)	وَتَبَّتْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ الَّذِينَ نَذَلُوا مُهْجَهُمْ ذُونَ الْحُسَيْنِ

۳-۲. تحلیل محتوای کمی زیارت عاشورا

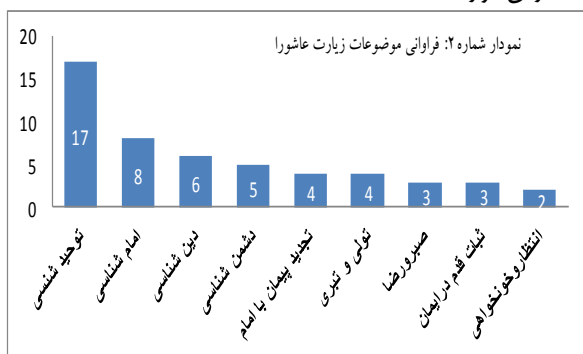
منظور از تحلیل های کمی، بررسی فراوانی کلمات، قالبها، مضامین و موضوعات مطرح شده در متن است که به محقق کمک می کند تا با ساختار عناصر و مؤلفه های به کاررفته در آن، بیشتر آشنا شود.

همان‌طور که در نمودار مشاهده می‌شود سایر کلمات شامل: لعن با ۲۲ فراوانی، سلام با ۱۴ فراوانی، لعن‌الله با ۱۱ فراوانی، رزیه (عظمت‌المصیبه) با ۱۰ فراوانی، بالبرائه و قتلکم هریک با ۶ فراوانی و موالاه با ۴ فراوانی بیش‌ترین تکرار هستند.

در نمودار فوق، دو واژه «سلم لمن سالمکم» معادل کلمات «ولی لمن والاکم» و «حرب لمن حاربکم» معادل کلمات «عدو لمن عاداکم» با فراوانی یکسانی در زیارت ذکر شده که به‌طور یکسان هر کدام ۲ بار تکرار شده‌اند و این تشابه، بیانگر این است که زائر می‌بایست در قرائت زیارت، به توازن حبّ فی‌الله و بغض فی‌الله توجه کند و معیار و اصول حب و بغض، امام معصوم علیه السلام باشد که جانشین خدای متعال در روی زمین است.

۳-۲-۲. سنجش فراوانی موضوعات

محقق برای اعتبار انتخاب موضوعات زیارت، ضمن مطالعه و بررسی کتاب‌های شرح آن، از برخی از خبرگان نیز نظرخواهی کرده است؛ زیرا این موضوعات می‌بایست بیانگر روح کلی حاکم بر متن زیارت باشد. به عبارت دیگر، با توجه به اینکه این موضوعات، معرف محتوای آن به‌شمار می‌روند، بنابراین با یک بررسی اجمالی در موضوعات و میزان فراوانی‌شان، باید ضمن آشنایی با حوزه‌ها و محورهای مختلف زیارت، بیانگر محورهای اصلی آن نیز باشد. نکته دیگر اینکه هریک از موضوعات، متناسب با فرازهای مختلف زیارت انتخاب شده‌اند؛ از این‌رو، می‌توان میزان فراوانی آن را مورد سنجش و شمارش قرار داد.

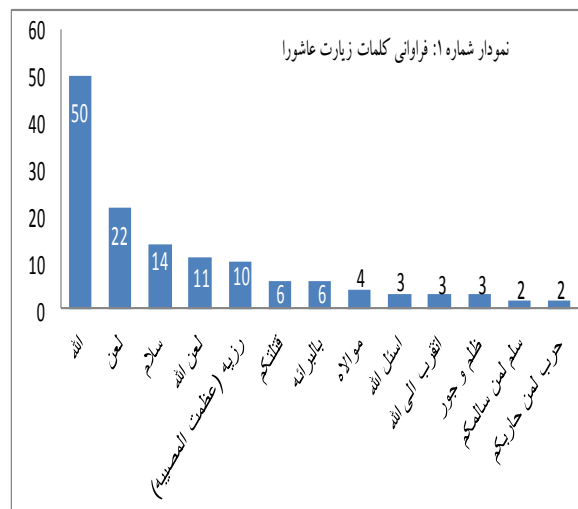


در این نمودار می‌توان موضوعات کلی و مطرح‌شده را در زیارت عاشورا به‌وضوح مشاهده کرد و چه‌بسا بتوان گفت: مفهوم مشترک این موضوعات، شناخت و آگاهی است، که رأس همه معرفت‌ها و آگاهی‌ها، شناخت خداوند یا به‌عبارتی توحیدشناسی است و بیشترین

همچنین، تحلیل‌های کمی راه ورود برای تحلیل کیفی را هموار ساخته و روشن می‌سازد محقق براساس چه مبنایی به تحلیل‌های کیفی بپردازد (کرپیندورف، ۱۳۷۸، ص ۲۶). در حقیقت نتایج تحلیل‌های کمی مسیر و نقشه راه تحلیل‌های کیفی را مشخص می‌سازد؛ به‌طوری‌که نقطه آغازین تحلیل را تعیین و جهت‌گیری آن را مشخص می‌کند. بدین ترتیب محقق می‌داند به‌دنبال پاسخ‌گویی به چه پرسش‌هایی است.

۳-۲-۱. سنجش فراوانی کلمات

منظور از فراوانی کلمات، شمارش واژه‌های مهم و مفهوم‌ساز است؛ به‌طوری‌که در این اقدام، واژه‌های مشابه در یک طبقه جای گرفته و مانند یک مفهوم مشترک به نمایش گذاشته می‌شود؛ که در این پژوهش برای نمایش بیشترین کلمات استفاده شده و مفهوم‌ساز از نمودار میله‌ای استفاده شده است.



نمودار فوق بیانگر این است که کلمه جلاله «الله» با ۵۰ تکرار از بیشترین فراوانی در میان سایر کلمات برخوردار است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت در زیارت عاشورا از نظر تکرار واژگان مفهوم‌ساز، این زیارت بر خداشناسی و شناخت توحید تأکید می‌کند؛ به‌طوری‌که کلمه جلاله «الله» در سرتاسر زیارت خودنمایی کرده و همواره توجه زائر را به خود جلب می‌کند تا زائر به این درک برسد که زیارت امام، مقدمه‌ای برای شناخت خدا و تقرب الهی است؛ البته اگر واژه‌هایی از قبیل «لعن‌الله»، «اسئل‌الله» و «اتقرب الی‌الله» را نیز به کلمه جلاله «الله» اضافه کنیم، میزان تکرار کلمات توحیدی به ۶۷ فراوانی می‌رسد.

دوستی و تقرب به خدای متعال و دشمنی و دوری جستن از دشمنان الهی است.

البته نکته اساسی در این بخش، این است که جلوه‌های توحیدی و خداشناسی را می‌توان با شفافیت کامل، مشاهده کرد؛ به طوری که زائر در سرتاسر اقیانوس زیارت، بر روی موج‌های یکتاپرستی و خداخواهی در حرکت است؛ به گونه‌ای که با دوری جستن از دشمنان، در پی تقرب الهی است، تا بدین ترتیب به ساحل نجات و رستگاری نائل آید.

۳-۳. تحلیل محتوای کیفی زیارت عاشورا

همان‌طور که مشاهده شد، در تحلیل محتوای کمی بر محتوای آشکار پیام تمرکز شده است؛ درحالی که در تحلیل محتوای کیفی بر عقیده‌ها و معنای نهفته در یک متن یا متن‌واره تمرکز می‌شود؛ به طوری که در این مرحله، تلاش می‌گردد از طریق رجوع به متن، به کشف، روشن‌سازی و بازنمود محتواها پرداخته شود. بنابراین در این نوع از تحلیل، پرسش‌ها علاوه بر تمرکز روی مشخصه‌های آشکار زبانی، بر مشخصه‌های معنایی - بافتی نیز تمرکز می‌کند (میرزایی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۱۰۹۹). با بهره‌گیری از نتایج حاصله از تحلیل محتوای کمی می‌توان محتوای زیارت عاشورا را در ۴ مقوله و موضوع اصلی زیر شناسایی و دسته‌بندی کرد. بدین ترتیب مدل مفهومی کلی زیارت عاشورا عبارت است از:

نمودار شماره ۴: موضوعات اصلی زیارت عاشورا



۳-۳-۱. جایگاه توحید در زیارت عاشورا

۱. یکی از آداب مستحبی قرائت زیارت عاشورا، گفتن ذکر «الله اکبر» قبل از شروع زیارت است؛ بدین ترتیب اولاً، یعنی زیارت با نیت قربت الهی انجام شود؛ ثانیاً، مورد رضایت خداوند قرار گیرد؛ ثالثاً، زائر خود را در محضر پروردگار متعال ببیند. بنابراین زیارت وسیله‌ای برای قرب و وصول الی‌الله است که این رویکرد، نشانه توحیدی بودن زیارت است.

۲. در محتوای زیارت عاشورا، هیچ خواسته و تمایل دنیایی و شخصی توسط زائر مشاهده نمی‌شود؛ به طوری که زائر خوددیت و منیتش را کاملاً نادیده گرفته و فقط خالقیت خدای یگانه را در نظر دارد و خواسته‌هایش حول جهت‌گیری اصلی زیارت، یعنی «اتقرب

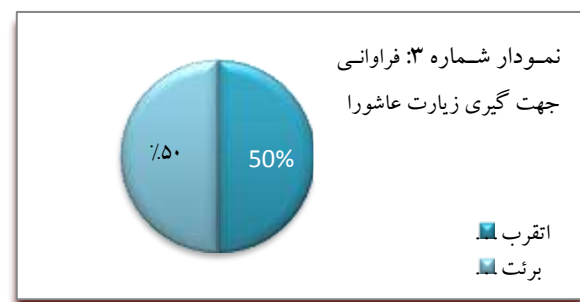
فراوانی را دارد. شناخت توحید نیز مطابق روایت مأثوره از اهل بیت (ع) مستلزم امام‌شناسی است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ۱۹۳) که مسیری مطمئن و بدون انحراف برای شناخت خداوند محسوب می‌گردد؛ همچنین در گرو شناخت امام است که مسیر سایر شناخت‌ها، مانند دین‌شناسی و دشمن‌شناسی نیز هموار شده و میسر خواهد شد.

بنابراین در این نمودار هم، توحیدشناسی با ۱۷ فراوانی، دارای بیشترین تکرار است؛ در نتیجه وقتی این نمودار را با نمودار قبلی - یعنی سنجش فراوانی کلمات - مقایسه می‌کنیم، نتایج حاصل از نمودار قبلی نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد.

۳-۲-۳. سنجش فراوانی جهت‌گیری‌ها

درواقع هدف این مرحله این است که همه محتوای زیارت عاشورا در دو یا سه موضوع کلی که دارای شمولیت‌اند، به تصویر کشیده شود، تا بدین ترتیب زائر را برای درک سریع و دقیق آن رهنمون سازد.

منظور از شمولیت موضوعات این مرحله، این است که سایر موضوعات مرحله قبلی نیز زیرمجموعه این موضوعات جدید قرار گیرند. از طرفی، در یک نگاه کلی‌تر، می‌توان محورهای اصلی را که بر روح کلی متن، حاکم است، مورد شناسایی قرار داد. بدین ترتیب می‌توان زیارت عاشورا را در دو موضوع اصلی که بیانگر اعتقادات و باورهای دینی شیعیان است، تقسیم‌بندی کرد و این دو موضوع عبارتند از: حب فی‌الله و بغض فی‌الله؛ که با استفاده از فرازهای زیارت عاشورا می‌توان دو مفهوم «اتقرب الی‌الله» و «برئت الی‌الله» را انتخاب کرد که در نمودار دایره‌ای به صورت درصدی به نمایش گذاشته شده است.



مطابق نمودار فوق، زیارت عاشورا تصویری از محبت الهی و بغض نسبت به دشمنان الهی است؛ به طوری که این دو موضوع در سرتاسر زیارت با واژه‌های مختلفی، از جمله «سلم لمن سالمکم»، «ولی لمن والاکم»، «حرب لمن حاربکم»، «عدو لمن عاداکم»... به طور وضوح قابل مشاهده است و کلیه این مفاهیم نیز بیانگر

«لعن الله» نفرین می‌کند: «لَعْنُ اللَّهِ آلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ وَ لَعْنُ اللَّهِ بَنِي أُمَيَّةَ قَاتِلِيَةَ...»؛ چه زمانی که زائر درخواست‌های الهی خود را در قالب کلمه توحیدی «اللَّهُمَّ» مطرح می‌سازد.

بنابراین در سرتاسر متن زیارت، به‌هیچ‌عنوان و در قالب هیچ کلمه‌ای، سخن از شرک نیست؛ و زائر در همه فرازها صرفاً از کلمه توحیدی «الله» سخن گفته و توحید ذاتی خود را به نمایش می‌گذارد. به عبارت دیگر، کلمه جلاله «الله» با بیشترین فراوانی و تکرار در زیارت عاشورا، بیانگر بسیط بودن خدای یکتاست؛ یعنی عدم وجود اجزا و ترکیب در ذات اقدس الهی و در حقیقت زائر با صراحت کلمات توحیدی، شریک‌ناپذیر بودن خدای یکتا و بی‌همتا را فریاد می‌زند.

۲-۳-۳. توحید صفاتی

شاید در ظاهر نتوان به‌طور مشخص توحید صفاتی را در زیارت عاشورا جست‌وجو کرد؛ ولیکن اگر از تحلیل محتوای کیفی استفاده کنیم، در فرازهایی از زیارت صفات قدرت الهی در کنار الله‌بودن و اینکه ذات خدا همان قدرت الهی است، قابل درک و مشاهده است: «فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَمَعْرِفَةِ أَوْلِيَائِكُمْ وَرَزَقَنِي الْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَنْ يَثْبِتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صِدْقِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَسْأَلُهُ أَنْ يَلْغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِي مَعَ إِمَامٍ هُدًى ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ».

درواقع در فراز فوق و فرازهای شبیه آن، زائر قصد آن دارد یگانگی خدا را بیان کرده، اما درعین‌حال بگوید این خدا، قادر متعال و مطلق نیز هست؛ به‌طوری‌که درخواست‌های مطرح‌شده در آن، مبین این نکته مهم است. بدین ترتیب، زائر از خدا درخواست می‌کند که قدرت به‌فعلیت رسانیدن این درخواست‌ها را دارد؛ یعنی قادر به انجام این امور هست و این موضوع، معرف توحید صفاتی است. البته، توحید، زیربنای شناخت تمام صفات خداوند است؛ زیرا یگانگی او از نامحدود بودن وجود او سرچشمه می‌گیرد و این وجود است که جامع جمیع کمالات و خالی از هرگونه عیب و نقص است. در نتیجه اگر ما خداوند را به توحید حقیقی بشناسیم، همه صفاتش را شناخته‌ایم (قائمی، ۱۳۹۰، ص ۴۲).

۳-۳-۲-۳. توحید افعالی

فرازهایی که مبین توحید افعالی در زیارت عاشورا است، به شرح زیر است:

«برئت الی الله» و «برئت الی الله» می‌چرخد. بنابراین همه درخواست‌هایش نیز الهی و هدفش وصول الی‌الله است؛ که این رفتار زائر یکی از کارکردهای توحید در زندگی یک بنده موحد به‌شمار می‌آید.

۳. زائر از شروع تا پایان زیارت، خداوند را حاضر و ناظر بر خود و اعمالش می‌پندارد؛ به‌طوری‌که اگر در متن زیارت دقت شود، این‌گونه مستفاد می‌گردد که کلیه فرازهای آن از جنس الوهیت و خالقیت خداوند است؛ مانند: سلام‌الله، لعن‌الله، اتقرب الی‌الله، برئت الی‌الله، اسئل‌الله، اللهم ارزقنی... . درواقع می‌توان گفت زیارت، مصداق آیه شریفه «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ» (بقره: ۱۲۸) است؛ به‌طوری‌که یکتاپرستی، توحید و تسلیم در برابر خداوند و ایمان به معارف حقه اهل‌بیت علیهم‌السلام است که می‌تواند بشر را از آلودگی‌ها تطهیر کرده و بهترین و زیباترین رنگ و زینت را ببخشد. بدین ترتیب زیارت عاشورا رنگ الهی و توحیدی را برای زائرش به ارمغان می‌آورد.

۴. همان‌طور که زیارت از ذکر «الله اکبر» آغاز می‌شود، همان‌گونه نیز با ذکر «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدُ الشَّاكِرِينَ» در سجده - که نماد عبودیت و بندگی خداوند است - به پایان می‌رسد؛ که این بزرگ‌ترین گواه بر توحیدی بودن زیارت است.

۲-۳-۳. مراتب و انواع توحید در زیارت عاشورا

در این بخش با استفاده از ادبیات پژوهش و بهره‌گیری از مقوله‌های ۱۷ گانه توحیدشناسی - که در جدول تحلیل محتوای متن تقطیع شده زیارت آمده است - مراتب و انواع توحید در زیارت عاشورا به شرح زیر است:

۱-۲-۳-۳. توحید ذاتی

بی‌همتایی و یکتایی خدای متعال در زیارت، کاملاً قابل درک است؛ به‌طوری‌که در تمام متن زیارت، خداوند صرفاً به‌طور واحد و یکتا، آن هم در کلمه جلاله «الله» تبلور و عینیت یافته است؛ چه در هنگام سلام دادن به امام حسین علیه‌السلام که آن حضرت را فرستاده و رسول «الله» معرفی می‌کند: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ»؛ چه آن زمان که آن حضرت را «ثار الله» معرفی می‌کند: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ»؛ چه زمانی که زائر قصد تقرب به «الله» کرده: «إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ» و از دشمنان الهی دوری می‌جوید: «بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ»؛ چه زمانی که زائر قاتلان و دشمنان اهل‌بیت علیهم‌السلام را با واژگان

۴-۲-۳. توحید عبادی

وقتی معلوم شد واجب‌الوجود تنها خداست و هر چه غیر اوست، ممکن، محتاج و نیازمند است؛ بنابراین عبادت مخصوص اوست و او کمال مطلق است و غیر از او کمال مطلق وجود ندارد و عبادت هم برای رسیدن به کمال است؛ این همان توحید عبادی است. بنابراین فرازهایی که بیانگر این مرتبه از توحید است، با کلمات جلاله شروع می‌شوند؛ که عبارتند از: **اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي - اللَّهُمَّ الْعَنَ الْعَصَابَةَ - اللَّهُمَّ الْغَنَّهُمْ جَمِيعاً - اللَّهُمَّ خُصَّ - اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ - اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي...**

توحید عبادی که تبلور یافته در بندگی و پرستش خداست، طبعاً یکی از نمادهای مبین آن نیز دعا و نیایش است که وقتی متن زیارت را می‌نگریم، در فقرات متعددی از آن، زائر با خدا سخن گفته و درخواست‌هایش را مطرح می‌سازد؛ که بیانگر توحید عبادی‌اش است. بدین ترتیب توحید عبادی در زیارت عاشورا به شرح زیر تقسیم می‌گردد:

۱-۴-۲-۳. اطاعت‌پذیری از خدای یگانه

زائر از زمان نیت قرائت زیارت امام حسین علیه السلام، در واقع از خدای متعال اطاعت کرده که چنین قصدی انجام داده است؛ و هنگامی که به زیارت امام معصوم علیه السلام مشرف می‌شود، مقصودش از زیارت، اطاعت‌پذیری از خداست که به دو آیه قرآن کریم به شرح زیر اشاره می‌شود: مطابق آیه شریفه **«قَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ»** (غافر: ۴۰)، زائر خدا را خوانده و قصد اطاعت و بندگی‌اش را داشته است که این نمایانگر توحید عبادی است و همان‌طور که در متن آیه شریفه است، کسانی که از عبادت و بندگی خدا اعراض کرده و سر باز می‌زنند، به‌زودی با خفت و خواری در جهنم خواهند بود؛ ولیکن کسانی که خدا را صدا زده و می‌خوانند، خداوند نیز پاسخ آنان را داده و دعاهای‌شان را مستجاب می‌کند.

۱. مطابق آیه شریفه **«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»** (مائده: ۵)، خدا به کسانی که به توحید باور داشته و به او ایمان آورده‌اند، دستور می‌دهد که برای تقرب الی‌الله، با واسطه به درگاه الهی بروند که طبق روایات مأثوره از اهل‌بیت علیهم السلام، مقصود از **«وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»** آن ذوات مقدس هستند، که خدا به آنان قسم داده می‌شود، البته در فراز

۱. **«فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَ أَكْرَمَنِي بِكَ أَنْ يَرْزُقَنِي** **طَلَبَ تَارِكًا مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ»**؛ زائر در این فراز به‌طور دقیق و مستقیم به جمله **«لَا مُؤْتَرَفِي فِي الوجودِ إِلَّا اللَّهُ»** اشاره دارد؛ به‌طوری که اولاً، درخواستش از خداست؛ ثانیاً، منظورش خدایی است که مقام امام حسین علیه السلام را گرامی داشته است؛ ثالثاً، معتقد است همان خدای یگانه، او را نیز به خاطر دوست داشتن سالار شهیدان گرامی داشته است؛ رابعاً، از این خدا مسألت دارد که انتقام گرفتن از خون سیدالشهداء علیه السلام را در معیت امام عصر علیه السلام نصیبش کند.

بدین ترتیب، اولاً، درخواست زائر از خداوند، بیانگر توحید افعالی است؛ بدین معنا که زائر از غیر خدا مأیوس است و به قدرت لایزالی او تمسک جسته و از او درخواست می‌کند؛ ثانیاً، گرامی داشتن سالار شهیدان توسط خدا، نیز بیانگر این است که فقط اوست که قادر است این مرتبت را به آن حضرت عطا کند، که بیانگر توحید افعالی در قسم ربوبیت و از بعد تکوینی است؛ ثالثاً، شرط گرامی شدن نزد خدا علاوه بر سبب آن، که محبت امام معصوم علیه السلام است، فقط با اذن و اراده خداوند امکان‌پذیر است و این نیز مبین توحید افعالی است و در واقع، نشانه آن است که زائر بر این باور است که تدبیر زندگی‌اش فقط به ید الهی و در اختیار اوست؛ که این نگاه نیز توحید افعالی از بعد تکوینی قسم ربوبیت است؛ و رابعاً، درخواست زائر مبنی بر انتقام گرفتن از خون امام مظلوم علیه السلام نیز بیانگر اعتقاد او بر عدم انجام هر کاری در عالم، مگر با اذن و اراده الهی است؛ که در یک جمع‌بندی می‌توان گفت این فراز مصداق اتم و اکمل **«لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»** است.

۲. **«فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسَسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَأَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ الَّتِي رَتَّبَكُمْ اللَّهُ فِيهَا وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ وَلَعَنَ اللَّهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالتَّمَكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ»**.
واژه **«لَعَنَ اللَّهُ»** در زیارت عاشورا ۱۱ بار تکرار شده و بیانگر آن است که زائر با توجه به اینکه اعتقاد به خالقیت خدای متعال دارد، از این خالق متعال درخواست می‌کند تا دشمنان اهل‌بیت علیهم السلام را اعم از مؤسسان و بنیان‌گذاران، غاصبان حق خلافت آنان، قاتلان و کسانی که صحنه جنگ ناجوانمردانه را مهیا ساختند، از رحمت خود دور ساخته و مورد نفرین الهیه خود قرار دهد؛ زیرا این کار بدون اذن و اراده الهی انجام نخواهد گرفت و این تعبیر، یعنی **«لَا مُؤْتَرَفِي فِي الوجودِ إِلَّا اللَّهُ»** تصدیق می‌گردد.

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ ۝ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» خدا به مصداق مشخص یعنی به حق امام حسین ۝ قسم داده می‌شود و به واسطه آن حضرت از خداوند، آبروی دو دنیا طلب می‌گردد که این واسطه قرار دادن، یکی از مصداق آیه شریفه «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» بوده و نماد عینی اطاعت‌پذیری از خداست؛ به طوری که زائر با واسطه سالار شهیدان و زیارت آن حضرت به درگاه الهی استغاثه کرده و درخواست‌های الهی خود را مطرح می‌سازد.

۲-۴-۲-۳. ترک تعلقات نفسانی و کسب زندگی

توحیدی

بخشی از فرازهایی که بیانگر ترک تعلقات دنیایی و نفسانی و کسب زندگی توحیدی می‌باشد به شرح زیر است:

۱. «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ ۝ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»؛

۲. «أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ أَنْ يَثْبِتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صِدْقِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ أَسْأَلُهُ أَنْ يَبْلَغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَأَنْ يِرْزُقَنِي طَلَبَ نَارِي مَعَ إِمَامٍ هُدَى ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ»؛

۳. «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مَقَامِي هَذَا مِمَّنْ تَنَالُهُ مِنْكَ صَلَوَاتُ وَرَحْمَةً وَمَغْفِرَةً»؛

۴. «اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»؛

۵. «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مُصَابِهِمُ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَظِيمِ رِزْقِي اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ وَ ثَبَّتْ لِي قَدَمَ صِدْقِي عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَ أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ الَّذِينَ بَدَلُوا مَهْجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ ۝».

مطابق فرازهای فوق، می‌توان این‌گونه تحلیل کرد که زائر برای ترک تعلقات نفسانی و کسب زندگی توحیدی، ضمن درخواست اینکه زندگی و مرگش مانند محمد و آل محمد ۝ باشد، مورد رحمت و مغفرت الهی قرار گرفته و برای جبران غفلت‌ها، کوتاهی‌ها، خطاها و گناهانش از خدا درخواست می‌کند که به واسطه مقام و جایگاه امام حسین ۝ در درگاه الهی، آبروی او را در دنیا و آخرت حفظ کند و با ثبات قدمی که به این واسطه به او عطا می‌کند، همواره زندگی توحیدی خود را حفظ کرده و با درخواست خون‌خواهی، در معیت امام عصر ۝، جانش را مانند یاران باوفای سالار شهیدان تقدیم کرده و از

شفاعت آن حضرت در روز قیامت بهره‌مند گردد.

بنابراین وقتی در دعا‌های فوق که همگی سخن از رنگ الهی داشته و رنگ خودیت در آن مشاهده نشده و سخن از دنیا و تعلقات دنیوی و منیت‌ها نیست و زائر زیارت را با الله اکبر آغاز کرده و با سجده شکر به پایان می‌رساند؛ که سجده نیز نماد عبودیت و پرستش محض است. بنابراین در سایه‌سار این پرستش خالصانه، زندگی توحیدی را در پیش گرفته، تا تمام زندگی‌اش رنگ و بوی الهی بیابد و مصداق این آیه شریفه شود: «صَيِّغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صَيِّغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ». بدین ترتیب، انسان در اثر عبادت موحدانه، رنگ خدایی یافته و ضمن فراموشی خودیت خود، به فناء فی الله می‌رسد و این نیز نماد توحید عبادی است؛ زیرا حقیقت عبودیت، یعنی ترک مالکیت خودی و کسب مالکیت خدای متعال.

۳-۴-۲-۳. برائت الی الله شرط نخستین تقرب الی الله

یکی از شروط اولیه برای قرب و وصول الهی، برائت و دوری جستن از دشمنان الهی است؛ البته این موضوع به نوعی در مباحث اخلاقی نیز آمده است، که ترک گناه مقدمه و شرط اصلی در قبولی واجبات و عبادات می‌باشد.

برای درک اینکه برائت، شرط نخستین و مقدمه‌ای برای تقرب الی الله و توحیدشناسی است، می‌توان به این آیه مبارکه استناد کرد: «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (بقره: ۲۵۶)؛ یعنی برای کسب ایمان واقعی به خدا، می‌بایست نسبت به طاغوت کافر شد. به عبارت دیگر، کفر به طاغوت، مقدمه و شرط نخستین ایمان به خداست که دو پیام مهم آیه عبارت است از:

۱. تا طاغوت‌ها محو نشوند، توحید جلوه نمی‌کند؛ اول کفر به طاغوت، بعد ایمان به خدا؛

۲. کفر به طاغوت و ایمان به خدا باید دائمی باشد که علامتش فعل مضارع بودن «یکفر و يؤمن» است که نشانهٔ تداوم و استمرار است (قرآنی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۰۹).

بنابراین یک انسان موحد، همواره باید برای تداوم و استمرار تقرب الی الله و افزایش توفیقات الهی، استکبار ستیز بوده و از کفر، طاغوت و جلوه‌های آن برائت بجوید.

۲-۳-۳. امام‌شناسی

۷. یادآوری الگو بودن اهل‌بیت علیهم‌السلام و درخواست از خداوند برای اینکه زندگی و مرگ‌مان مانند آنان و در راه آنان باشد: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَأَلِ مُحَمَّدٍ وَمَمَاتِي مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَأَلِ مُحَمَّدٍ». ۸. مقام شفاعت نیز یکی از مقام‌های منبع اهل‌بیت علیهم‌السلام است که در زیارت تأکید شده و زائر نیز از خداوند درخواست می‌کند از شفاعت آنان در روز قیامت بهره‌مند گردد: «وَأَسْأَلُهُ أَنْ يَبْلَغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ» که در روایات مأثوره «مقام محمود» همان مقام شفاعت اهل‌بیت علیهم‌السلام است؛ البته در فراز پایانی نیز از مقام شفاعت امام یاد شده است: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ».

۳-۳-۳. دین‌شناسی

دین‌شناسی نیز یکی از مقوله‌های بسیار مهم در محتوای زیارت عاشورا است، که به فرموده امام صادق علیه‌السلام دین چیزی جز دوستی و دشمنی نیست (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۲۵). بنا بر این روایت، زیارت عاشورا معرف دین اسلام است؛ زیرا ضمن معرفی دوستان و دشمنان الهی، نسبت به دوستان پروردگار، اظهار محبت می‌کند (یعنی تولی) و از دشمنان الهی اعلام انزجار می‌کند (یعنی تبری). بنابراین مصادیق و مضامین فرعی دین‌شناسی در زیارت به شرح زیر است:

۱. تولی: «إِنِّي سَلِمْتُ لِمَنْ سَأَلْتَكُمْ - وَوَلِي لِمَنْ وَالَاكُمْ».
۲. تبری: «حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ - عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ - بَرِيْتُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ وَأَوْلِيَاءِهِمْ...».
۳. ثبات قدم در دینداری و ایمان: این خصلت، یکی از ویژگی‌های مهم مؤمنان و موالیان اهل‌بیت علیهم‌السلام است که همواره در روایات مأثوره تأکید شده و به‌ویژه در آخرالزمان که بسیار مهم است؛ فرازهای مرتبط عبارتند از: «وَأَنْ يَثْبُتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صِدْقِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ - وَثَبْتُ لِي قَدَمَ صِدْقِي عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ الَّذِينَ بَدَلُوا مَهْجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ».
۴. حمد و شکر الهی: یکی از شاخصه‌های دینداری، مقام شکر و رضاست؛ به طوری که فرد دیندار در ششاد روزگار همواره زبان و عمل شاکرانه داشته باشد و هر آنچه از سوی خدای متعال به او می‌رسد، راضی بوده و شکایت نکند؛ که این فراز پایانی زیارت آن‌هم در سجده، بیانگر این مقام است: «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مَصَابِيهِمُ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَظِيمِ رَزِيَّتِي».

یکی از اهداف زیارت‌های وارده، آشنایی با اهل‌بیت علیهم‌السلام است؛ به طوری که برای حضور در مشاهد مشرفه، زیارت‌گاه‌ها و قرائت زیارت‌نامه‌های آن ذوات مقدس، ثواب‌های زیادی هم در روایات مأثوره وارد شده است. طبعاً زیارت عاشورا که فرازهای اولین آن با سلام و تحیات الهی به سیدالشهداء علیه‌السلام شروع می‌شود، درصدد شناساندن اصل و نسب آن حضرت است؛ و اینکه امام حسین علیه‌السلام میراث‌دار نبوت و امامت است؛ به عبارت دیگر، این فراز بیانگر آن است که سالار شهیدان نتیجهٔ ایثار، فداکاری و مجاهدت‌های رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امیرمؤمنان علیه‌السلام و فاطمه زهرا علیها‌السلام است. بدین ترتیب، کربلا نیز رویارویی صحنهٔ مبارزهٔ شجرهٔ طیبه با شجرهٔ ملعونه (دشمنان) است. بنابراین ابعاد مختلف امام‌شناسی در زیارت عاشورا به شرح زیر است:

۱. آشنایی با اصل و نسب امام حسین علیه‌السلام و یادآوری اعتقاد به امامت و نبوت: «أَسْأَلُكَ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خَيْرَتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ».
۲. معرفی جایگاه امام حسین علیه‌السلام در عالم خلقت با معرفی او به خون خدا یا خونی که در راه خدا ریخته شده، انتقام گرفته نشده و خون خواهش نیز خود خداست: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَارَ اللَّهِ وَابْنَ نَارِهِ وَالْوَثْرَ الْمُؤْتُونَ».

۳. اظهار دوستی و محبت اهل‌بیت علیهم‌السلام - به‌ویژه سیدالشهدا - که در فرازهای فراوانی در زیارت آمده است: «يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي سَلِمْتُ لِمَنْ سَأَلْتَكُمْ - وَوَلِي لِمَنْ وَالَاكُمْ».

۴. کرامت انسان به‌واسطهٔ مقام سالار شهیدان و خون‌خواهی آن حضرت توسط امام منصور؛ یعنی امام عصر علیه‌السلام: «فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَأَكْرَمَنِي (بک) أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِكٍ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» یا فراز «وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِي مَعَ إِمَامٍ هُدَى ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ».

۵. یادآوری جایگاه رفیع سیدالشهداء علیه‌السلام در پیشگاه خداوند و درخواست آبرو در دنیا و آخرت: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ علیه‌السلام فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ».

۶. تأکید بر شناخت اهل‌بیت علیهم‌السلام که موجب گرامی شدن در درگاه الهی می‌شود: «الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَمَعْرِفَةِ أَوْلِيَائِكُمْ».

۵. برپایی مناسک دینی یکی دیگر از شاخصه‌های زنده نگه داشتن دین در جامعه است: «لَقَدْ عَظَّمَتِ الرَّزِيَّةُ وَ جَلَّتْ وَ عَظَّمَتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ وَ جَلَّتْ وَ عَظَّمَتِ مُصِيبَتُكَ فِي السَّمَاوَاتِ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ...».

۶. در معیت امام و پیروی از سیره و سبک زندگی امام، انسان را عاقبت به‌خیر می‌کند: «أَنْ يُجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

۷. تجدید بیعت و تحکیم میثاق با امام؛ اساساً واقعه عاشورا به دلیل دینداری ضعیف و سست ایمانی مردم آن زمان اتفاق افتاد؛ زیرا کوفیان و سایر بلاد عرب، شناخت‌شان از دین کافی نبوده و در دینداری‌شان نیز پابندی لازم نداشتند؛ از این‌رو، عهد و پیمان خود را با جانشین رسول خدا ﷺ شکستند و مقتدای خود را در میان هزاران دشمن، با اهل و عیال تنها گذاشتند؛ که زائر در سلام پایانی زیارت، از خداوند درخواست می‌کند این آخرین زیارت و میثاقش نبوده و همیشه در هر مکان و زمانی دلش با امام بوده و یاسدار آرمان‌های امامش باشد: «وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ».

۳-۳-۴. دشمن‌شناسی

دشمن‌شناسی مقوله‌ای است که در زیارت عاشورا به‌خوبی قابل مشاهده است. البته در زیارت، صرفاً دشمنان حاضر در صحنه جنگ و جدال ذکر نشده است؛ بلکه مراتب و طبقات مختلف دشمنان به شرح زیر ذکر شده است:

۱. مؤسسان و بنیان‌گذاران ظلم و ستم؛ زائر ضمن لعنت بر آنان، از خداوند درخواست می‌کند این دسته از دشمنان از رحمت الهی دور گردند و به عذاب روز قیامت گرفتار شوند: «فَلَعْنِ اللَّهُ أُمَّةً أَسَّسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَ الجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ».

۲. غاصبان خلافت؛ آنهایی که امامان ﷺ را از مقامشان کنار زده و از جایگاه و مراتبشان دور کردند: «وَلَعْنِ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَأَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ الَّتِي رَبَّبَكُمْ اللَّهُ فِيهَا».

۳. قاتلان؛ دشمنانی که اهل بیت ﷺ را به شهادت رساندند؛ یعنی مبارزان صحنه نبرد بوده و به‌طور مستقیم در کربلا، سالار شهیدان و اصحابش را به شهادت رساندند: «وَلَعْنِ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ».

۴. زمینه‌سازان؛ آنهایی که زمینه و بستر جنگ با اهل بیت ﷺ را مهیا ساختند: «وَلَعْنِ اللَّهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالتَّمَكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ».

۵. پیروان و تابعین؛ توجه به دشمنان اهل بیت ﷺ از اولین و

آخرین آن؛ شامل بیعت‌کنندگان و پیروان دشمنان؛ کسانی که در هر عصری با آنان، دوستان و پیروانشان دشمنی کردند: اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوْلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَأَلِّ مُحَمَّدٍ وَأَخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَى ذَلِكَ اللَّهُمَّ الْعَنْ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ وَشَايَعَتْ وَبَايَعَتْ وَتَابَعَتْ عَلَى قَتْلِهِ اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعاً».

۶. اسامی دشمنان؛ اگرچه تعداد لعن‌شدگان در زیارت عاشورا ۲۲ شخص و قبیله است؛ ولیکن در فراز پایانی زیارت و قبل از انجام سجده، به‌طور مشخص، ۱۲ نفر لعنت می‌شوند: «اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوْلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي وَأَبْدَأُ بِهِ أَوْلَا ثُمَّ (الْعَنْ) الثَّانِي وَالثَّلَاثَ وَالرَّابِعَ اللَّهُمَّ الْعَنْ يَزِيدَ خَاصِماً وَالْعَنْ عُبَيْدَ اللَّهِ بْنَ زِيَادٍ وَابْنَ مَرْجَانَةَ وَعُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَشِمْرَةَ وَأَلَ أَبِي سُفْيَانَ وَأَلَ زِيَادٍ وَأَلَ مَرْوَانَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ».

بدین ترتیب، این دسته‌بندی که عیناً مطابق متن زیارت عاشورا است، به زائر درس دشمن‌شناسی می‌دهد؛ به‌طوری‌که باید انسان هوشیار باشد و بداند دشمنان فقط کسانی نیستند که در صحنه نبرد در مقابلش ایستاده‌اند؛ بلکه افراد دیگری هستند که به‌طور غیرمستقیم، به تعبیر امروزه، در اتاق فکر، مشغول برنامه‌ریزی‌اند و شرایط را برای نبرد آماده می‌سازند. نکته مهم اینکه عده دیگری با سکوت‌شان به دشمنان جرئت حمله و تعدی می‌دهند؛ یا با سازش و مسامحه کردن، میدان جنگ را برای دشمنان هموار می‌سازند؛ کسانی که به‌عنوان سپاهی لشکر نقش ایفا می‌کنند؛ یا مبارزان در جنگ را با دادن ادوات جنگی، پشتیبانی می‌کنند و حتی جزو ساکتین بوده و دم فرو می‌بندند تا دشمنان به اهداف شومشان برسند.

نتیجه‌گیری

این نوشتار در پی کشف و شناسایی جایگاه توحید در زیارت عاشورا بوده که در نوع خود موضوعی بدیع و جدید است. از این‌رو، ضمن تحلیل محتوای کمی و کیفی زیارت، با بهره‌گیری از ادبیات پژوهش در مورد اهمیت، شناخت و مراتب توحید، درصد پاسخ‌گویی به سؤال اصلی پژوهش برآمده که عبارت است از: آیا شناخت توحید، محور و موضوع اصلی زیارت عاشورا است؟

نتایج حاصله از تحلیل محتوای کمی نشان داد: اولاً، کلمه جلاله «الله» دارای بیشترین فراوانی در زیارت بوده که بیانگر اهمیت و

هموار می‌سازد؛ چنان که استاد بزرگ اخلاق *آیت‌الله قاضی طباطبایی* در شناخت توحید از طریق امام حسین علیه السلام چنین فرموده‌اند: محال است انسان به جز از راه سیدالشهدا علیه السلام به مقام توحید برسد.

منابع.....

- نهج البلاغه*، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی، قم، مشرقین.
- اقبال لاهوری، محمد، ۱۳۸۸، *کلیات اقبال لاهوری*، ترجمه فرید مرادی، تهران، نگاه.
- حسینی طهرانی، محمدحسین، ۱۳۶۸، *توحید علمی و عینی در مکاتب حکمی و عرفانی*، تهران، حکمت.
- سبحانی، جعفر، ۱۳۶۳، *الهیات و معارف اسلامی*، ترجمه رضا استادی، قم، شفق.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۳۶۳، *اسرار توحید*، ترجمه محمدعلی اردکانی، تهران، اسلامیة.
- طوسی، محمدبن حسن، ۱۳۶۵، *تهذیب الاحکام*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ، ۱۴۱۱ق، *مصباح المتجهد و سلاح المتعبد*، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه.
- قائمی، اصغر، ۱۳۹۰، *اصول اعتقادات*، قم، ادباء.
- قرائی، محسن، ۱۳۷۴، *تفسیر نور*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۶۵، *اصول کافی*، ترجمه علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- کریندورف، کلوس، ۱۳۷۸، *مبانی روش‌شناسی تحلیل محتوا*، ترجمه هوشنگ نائینی، تهران، روش.
- کیوی، ریمون و لوک وان کامپنهود، ۱۳۸۱، *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، توتیا.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۹، *خداشناسی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۹، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.
- میرزایی، خلیل، ۱۳۹۷، *کیفی پژوهی*، تهران، فوزان.
- هولستی، ال. آر.، ۱۳۷۸، *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*، ترجمه نایی، تهران، روش.

توجه به خداشناسی در زیارت است؛ ثانیاً، تعداد ۹ موضوع در زیارت شناسایی گردید؛ که عبارتند از: خداشناسی، امام‌شناسی، دین‌شناسی، دشمن‌شناسی، تویی و تبری، خون‌خواهی در معیت امام معصوم علیه السلام، شکر و رضا، ثبات قدم در دین و ایمان و انتظار؛ که براساس نتایج سنجش فراوانی این موضوعات، خداشناسی نیز دارای بیشترین فراوانی بوده که نتیجه سنجش فراوانی کلمات مهم و مفهوم‌ساز در مرحله قبلی را تصدیق و تأیید کرده است؛ و ثالثاً، در شناسایی جهت‌گیری کلی در محتوای زیارت، دو جهت اصلی آن عبارتند از: تقرب الی‌الله و برئت الی‌الله که براساس تبدیل فراوانی‌های به‌دست‌آمده به نمودار دایره‌ای؛ هریک به‌طور یکسان دارای ۵۰ درصد از جهت‌گیری زیارت عاشورا را به‌خود اختصاص داده‌اند و با توجه به اینکه هریک از این جهت‌گیری‌ها دارای منشأ الهی بوده و «قرب الی‌الله» مدنظر است؛ بنابراین براساس نتایج حاصله از تحلیل محتوای کمی، شناخت توحید، محوری‌ترین موضوع زیارت عاشوراست.

با استفاده از تحلیل محتوای کیفی و تهیه جدول تحلیل کلی متن تقطیع‌شده زیارت، ضمن شناسایی ۴ موضوع اصلی زیارت که عبارتند از: توحیدشناسی، امام‌شناسی، دین‌شناسی و دشمن‌شناسی، هریک به‌طور کامل تشریح گردید و نتایج این مرحله نیز، توحیدشناسی را به‌عنوان اصلی‌ترین موضوع زیارت، معرفی می‌کند.

در پایان به‌عنوان جمع‌بندی می‌توان گفت: پایه اصلی موضوعات زیارت عاشورا، معرفت‌شناسی است که زائر را به‌سوی آن رهنمون می‌سازد، و برترین معرفت در فرمایش امیرمؤمنان علیه السلام نیز معرفت خدای سبحان است. بدین ترتیب خداشناسی و توحیدشناسی هدف اصلی زیارت عاشوراست و با توجه به روایات وارده، درک و فهم از این شناخت نیز مستلزم واسطه‌های الهی است که امام واسطه این شناخت است؛ به‌طوری‌که درهای رحمت، احتجاج، شناخت و پرستش خدای متعال به‌شمار می‌آید (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۷۵)؛ و انسان ضمن اینکه نباید مقام اولوهیت برای امام قائل شود، باید از طریق امام، دین خود را به‌خوبی بشناسد و نسبت به عوامل بازدارنده، از جمله دشمنان الهی آگاهی یافته تا سعادت‌مند شود و به هدف اصلی خلقت، یعنی خداشناسی و پرستش معبود یکتا نایل آید؛ که زیارت عاشورا یکی از این راه‌های فراوان خداشناسی است که مداومت بر آن نیز توفیق صعود به مراتب توحیدی را نیز برای زائر